

02 November, 2012



Sudan, IRGC's Qods Force and Israel

انتشار در: ایران گلوبال، شهرگان، تربیون، پارس دیلی، ایران بریفینگ، ملی مذهبی و میلون

اکنون و با نزدیک شدن جمهوری اسلامی به نیمه های چهارمین دهه عمر خود، تردید اندکی وجود دارد که ارسال تسلیحات و حضور، استقرار و فعالیتهای برونمرزی سپاه قدس، از اصلی ترین اهرم های پیشبرد سیاست خارجی این رژیم است. صدور جنگ افزار و اقدامات تخریبی و تروریستی توسط شاخه برونمرزی سپاه پاسداران، در خدمت افزایش نفوذ منطقه ای ایران در جهت دست اندازی و مداخلات فزاینده به منظور حفظ و تحکیم گروهها و رژیمهای همسو و با دست نشانده (بطور نمونه، بشار اسد در سوریه، حزب الله لبنان، حماس البتّه تا قبل از تحولات سوریه) و یا بی ثبات نمودن گروهها و رژیمهای غیر همسو (به عنوان مثال، گروه العراقیه عراق، جناح المستقل در لبنان، دولت بحرین و جمهوری آذربایجان) می باشد. این مداخله جویی ها با گذشت زمان، تشدید یافته و در نمونه های اخیر، حضور مخرب و خونبار سپاه قدس در سوریه و اقداماتش در سودان، بخوبی قابل رویت می باشد.

اطلاعات کمی در مورد تهاجم هوایی چندی پیش به کارخانه اسلحه سازی یرموک در دسترس است. پیشتر هم گزارش هایی از سوی برخی رسانه های غربی درباره بمباران هوایی کاروان های انتقال جنگ افزار از سودان به دست اسرائیل منتشر شده بود اما نفوذ چهار جنگنده این کشور تا عمق 1200 کیلومتری خاک این کشور بی سابقه بوده است. همچنین بر خلاف موارد گذشته، این اولین باری است که خارطوم علنا به وقوع این حمله اذعان و آن را محکوم و انگشت اتهام را متوجه اسرائیل نموده است. تل آویو اما، از اظهار نظر شفاف در این باره امتناع ورزیده است. به عقیده بسیاری از آگاهان امر، این تهاجم هوایی برق آسا به کارخانه "یرموک" در جنوب خارطوم، عرصه کارزار غیرمستقیم بین رژیم های ایران و اسرائیل بوده است.

علیرغم وجود نقاط مبهم بسیار، آنچه مسلم است سودان و اریتره به عنوان دو کشور منزوی و درسرفرین قاره آفریقا، اتحادی اهریمنی با جمهوری اسلامی در کشتار و ارباب مردم خود، ایجاد ناامنی در آفریقا و مخالفت کورکورانه با جهان غرب ایجاد کرده اند و بنابر اطلاعات و مستندات موجود، این دو کشور، با هماهنگی با ایران و حمایت از راهزنان دریایی و همکاری با گروه های تروریستی از قبیل الشیاب، نقش عمده ای در ایجاد ناامنی، بی ثباتی و درگیری در شمال شرق قاره آفریقا و بویژه تنگه ژنواستراتژیک باب المندب و دریای سرخ و منطقه متلاطم شاخ آفریقا ایفا می کنند.

به نظر می رسد این ادعا که کارخانه مذکور، تحت مدیریت و یا حداقل نظارت سپاه قدس بوده است از بنیانهای تئوریک و امکان عملی لازم برخوردار بوده و نمی تواند سخنی به گزافه و بدور از حقیقت باشد. مایلیم به سه دلیل عمده مبنی بر محتمل بودن وابستگی این کارخانه به سپاه قدس اشاره نمایم:

1- سابقه اقدامات اینچینی توسط سپاه قدس

سپاه قدس به عنوان یک گروه فرامرزی تروریستی که مبادرت به اقدامات خرابکارانه و جرایم مرتبط با تروریسم دولتی در اقاصا نقاط جهان می نماید شناخته شده و چند سالی است که با هر چه آشکارتر شدن ماهیتش، این سازمان و فرماندهان ارشد آن در لیست سپاه تروریستی و یا تحریمی ایالات متحده، اتحادیه اروپا و دیگر کشورها و سازمانهای بین المللی قرار گرفته اند. بنابر آمارهای مختلف، بخش عمده درآمدهای نفتی، ثروت و سرمایه های کشور، به این سازمان و بخشهای تابعه آن تعلق داشته و مصروف ماجراجویی ها و اقدامات خرابکارانه در داخل و خارج از کشور می گردد.

بنابراین، اقدامات ایدئایی و صدور فناوری نظامی و یا تسلیحات به گروهها و کشورهای گوناگون توسط این سازمان، مسبوق به سابقه می باشد و همکاری و حضور پاسداران در سودان نیز نمی تواند حیرت و تعجب آگاهان امر را موجب شود. به عنوان نمونه، در مواردی قبلی، شاخه برونمرزی سپاه پاسداران، با هدف پیشبرد برنامه های خود و ایجاد ناامنی و گسترش ترور در کشورهای نیجریه (این رسوایی تا حد قطع کامل پیوندهای سیاسی بین دو کشور پیش رفت)، گامبیا، نیجر و سنگال (این کشورها در اعتراض به صدور سلاح توسط سپاه قدس و اقدامات ایدئایی این سازمان، روابط دیپلماتیک خود را با ایران به حالت تعلیق درآوردند)، لبنان (کمک به دست نشانده خود حزب الله)، افغانستان (طالبان و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار)، و سوریه بطور آشکار و مخفی، به صدور تسلیحات و دانش تولید جنگ افزار پرداخته است. همچنین سپاه قدس، به حضور و فعالیتهای گسترده خود در عراق (در گذشته به شکل کمک به گروه های سنیزه جوی شیعه از جمله ملیشایی جیش المهدی به سرکردگی مقتدی صدر و گروه بدر، و در حال حاضر بهره گیری از دولت متفق و تحت نفوذ خود، نوری المالکی برای ارسال سلاح و کمک اطلاعاتی و نظامی به بشار

اسد)، اریتره (صدور تسلیحات، تاسیس کارخانه مهمات سازی و حضور نظامی)، ونزوئلا و برخی کشورهای دیگر در آمریکای لاتین ادامه داده و با رفتار خصمانه و شیطنتهای سیاسی- امنیتی و تا حدی نظامی در کشورهای آذربایجان، بحرین و افغانستان، تمامیت و امنیت آنها را بارها مورد تهدید قرار داده است.

2- عدم توانمندی داخلی سودان در تولید بومی تسلیحات

عمر حسن البشیر رهبر جنگسالار سودان، با خودکامگی، بیگفایتی و سوء مدیریت خود، میلیونها تن از شهروندانش را در دارفور و مناطق محل سکونت سیاهان در جنوب که امروزه کشور سودان جنوبی نامیده می شود، به کام مرگ کشانده و جنگهای داخلی بی حاصل و ویرانگر را موجب شده است. طبیعتاً دولتی که از تامین مایحتاج روزانه شهروندان خود عاجز است و سالها با قحطی گسترده و آوارگان بیشمار خود، دست به گریبان است زمینه و توانمندی ساخت و ارسال تسلیحات به مقصد حماس، حزب الله لبنان و رژیم اسد در سوریه را ندارد. این رهبر منزوی و تحت تعقیب بین المللی (به موجب حکم دادگاه جنایات بین المللی لاهه)، انگیزه و دلایل کافی برای همکاری اطلاعاتی، تسلیحاتی و نظامی با شاخه برونمرزی پاسداران جمهوری اسلامی را دارا می باشد. همکاری تنگاتنگ مقامات سودان جنوبی با اسرائیل نیز، می تواند موجبات خشم و بهانه بیشتر سردمداران خارطوم برای نزدیکی و اتکای هرچه بیشتر خود به سپاه قدس را فراهم آورده باشد.

3- مشاهدات و اطلاعات شخصی

نگارنده این سطور، به جهت پیشینه شغلی اش به عنوان مترجم سابق وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به مدت چهار سال و با اتکا به اطلاعات طبقه بندی شده و محرمانه خود، میادرت سپاه قدس به ایجاد پایگاه نظامی و تولید تسلیحات در سودان را نیز به مانند دیگر کشورهای دارای وضعیت مشابه محتمل می داند. به دلیل ملاحظات امنیتی و عدم تامین جانی، قادر نخواهم بود در حال حاضر به تفصیل در مورد تولید سلاحهای گشتار جمعی جمهوری اسلامی و فعالیتهای تروریستی سپاه قدس بنویسم و لذا به ذکر این مطلب بسنده خواهم کرد که در تاریخ 30 اردیبهشت 1387، به عنوان مترجم مورد وثوق وزارت خارجه جمهوری اسلامی در جلسه ای محرمانه و پشت درهای بسته در سعد آباد حضور داشتم و طی آن ایسایاس آفورکی، رئیس جمهور کشور اریتره در تهران دیداری با سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس داشت که طرف ایرانی موضوع تاسیس قریب الوقوع پایگاه نظامی و حضور گسترده سپاه قدس در یک بندر جنوبی مشرف به تنگه باب المندب در اریتره را مطرح نمود که مورد پذیرش و استقبال رئیس جمهور این کشور قرار گرفت. به همین منوال، می توان نتیجه گیری نمود که آنچه در اریتره امکان تحقق دارد می تواند در کشور سودان نیز صورت واقیعت به خود بگیرد. چه، این دو کشور فلاکت زده آفریقایی دارای شباهتهای بسیاری هستند. به عنوان نمونه، هر دو کشور دارای رهبران خودکامه، سرکوبگر و متوهم و ساختار حکومتی فاسد و ناکارآمد و رویکرد های ضد غربی و ضد آمریکایی بوده و برای دوام و بقای خود به حمایتهای مالی، فنی، اطلاعاتی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی نیاز مبرمی دارند.

بنابراین، با یاری جستن از مشاهدات و اطلاعات شخصی و محرمانه مرتبط با جلسات و نشستهای رسمی (که در بندهای فوق به ذکر یک مورد آن پرداختم) و با توجه به مسبوق به سابقه بودن فعالیتهای سپاه قدس در امر ارسال سلاح و فناوری نظامی به دولتها و یا مخالفان آنان در اریتره، عراق، لبنان، جمهوری آذربایجان و سوریه، باور دارم این کارخانه به ظن قوی، تحت نظارت و مدیریت سپاه قدس بوده است.

هدف و انتظارات سپاه قدس از برموک

همچنانکه پیشتر اشاره شد، سپاه قدس از ارکان و ابزارهای اصلی رژیم تهران برای پیشبرد سیاست خارجی خود می باشد و هدف نهایی سپاه از اقدام برای ایجاد کارخانه تولید تسلیحات در سودان، می تواند سهولت و تسریع انتقال جنگ افزار به گروهها و مناطقی از قبیل سوریه، حزب الله لبنان، الشباب سومالی، وابستگان القاعده در شمال آفریقا (بنیادگرایان لیبی) و دیگر نقاط و همچنین تنوع بخشی به مسیرهای ترانزیت کالاهای مرگبار خود و بسط نفوذ و بالا بردن توانایی عملیاتی در ایجاد اقدامات خرابکارانه و تروریستی می باشد. علی رغم حساسیتهای محدودیتهای بین المللی اعمال شده بر علیه اقدامات سپاه قدس، و با وجود ممنوعیت های قانونی برای صادرات اسلحه و مهمات، این سازمان در راستای اجرای پیمان امنیتی و دفاعی منعقد به رژیم دمشق با توسل به روشهای پنهانی و قاچاق، به ارسال محموله های نظامی از زمین، هوا و دریا برای متحد خود، سوریه، میادرت نموده است. بنابراین، سودان می تواند به عنوان یکی از گزینه های دیگر سپاه قدس برای ارسال سلاح از طریق دریای سرخ و همچنین با استفاده از مناطقی از لیبی به سواحل سوریه در شرق مدیترانه مطرح باشد.

در سوریه و سودان که دولتمردان آن با چالشهای جدی در درون و تضییقات گسترده در بیرون از مرزهای خود روبرو هستند حضور سپاه قدس محتمل تر، گسترده تر و امکان پذیرتر بوده و پیامدهای این حضور، می تواند فاجعه بار باشد. بنابر اطلاعات موجود، در سوریه سپاه قدس علاوه بر کمک و همکاری اطلاعاتی و تسلیحاتی، در تدوین روشها و استراتژیهای سرکوب و کشتار مخالفان نیز حضور فعالانه ای دارد. با توجه به توانمندیهای جمهوری اسلامی در تولید سلاحهای متعارف و بعضاً نامتعارف و خطرناک، سپاه قدس این آمادگی ذهنی و توان فیزیکی و عملیاتی را دارد تا در صورت نیاز و اضطرار، از توانمندیهای خود برای کشتار وسیع در جهت حفظ حاکمیت رژیم بعث در دمشق استفاده نماید. انتقال تسلیحات غیرمتعارف توسط سپاه پاسداران به سوریه می تواند در لحظه استیصال مورد استفاده نیروهای بشار اسد قرار گرفته و به کشتار گسترده شهروندان غیرنظامی سوری منجر شود. در یک چنین وضعیتی، سودان و اریتره نیز می توانند تسهیل کننده نقل و انتقال تسلیحات و تحرکات و فعالیتهای سپاه قدس باشند.

احمد هاشمی کارمند و مترجم اخراجی وزارت امور خارجه، تحلیلگر مسائل سیاسی و بین المللی